

# « تأثیر ایمان در آرامش »

خدای متعال در قرآن کریم فرموده است : « ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما »  
هر کس که بر مبنای این آیه شریفه بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات بفرستد دو کار را انجام داده است :

( الف ) به اخلاق الهی تخلق پیدا کرده است . ( ان الله و ملائکته یصلون علی النبی )

( ب ) امتثال امر ذات اقدس اله کرده است . ( یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما )

**معنای لیله بودن حضرت زهرا سلام الله علیها**

از وجود مطهر حضرت جواد الائمه نقل شده است که : لیله القدر مادر ما حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها هستند .

علت اینکه ایشان لیله هستند این است که قدر ایشان مخفی است ، حقیقت ایشان مخفی است ، قبر ایشان مخفی است و تمام ابعاد وجودی ایشان مخفی است تا زمانی که خورشید ولایت حضرت مهدی علیه السلام ظاهر شود . ( حتی مطلع الفجر )

اما سر اینکه حضرت فاطمه سلام الله علیها لیله هستند در این است که در تاریکی نور روشن می شود . وجود مطهره ایشان از خودشان هیچ جلوه ای ندارند ، در تاریکی به سر برده اند تا **الله نور السموات و الارض** ظاهر شود . وقتی خدای متعال نورشان ظاهر شد در آئینه ای ظهور کرد که از آن آئینه به فاطمه علیها سلام الله تعبیر می شود . برای همین نور خدا به فاطمه الزهرا سلام الله علیها تابش کرد و میوه اش این شد که : « **فاطمه الزهرا نور الله فی ارضه و سمائه** » .

پس اگر حضرت زهرا سلام الله علیها جلوه ای ندارند ادبی است در برابر خدای متعال که خدا را اظهار کنند . ایشان یک آئینه ای شدند که به فضل الهی تمام نور خدا را در آسمانها و زمینها ظاهر کردند . اگر گفته می شود حضرت فاطمه سلام الله علیها در تاریکی به سر می برند العیاذ بالله این تاریکی به معنای ظلمت نیست . دنیا تاریکی و ظلمت است . تاریکی دنیا مربوط به نقصان است و تاریکی حضرت زهرا سلام الله علیها مربوط به کمال است .

در ادامه ی بیان ویژگی های کسانی که به تعبیر آیات الهی خوف و حزن ندارند به آیه شریفه ۶۲ بقره می رسمیم :

« **من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون** »

از آیه فوق فهمیده می شود که سه عامل اساسی در نداشتن خوف و حزن دخالت دارند :

( الف ) ایمان به خدای متعال ( ب ) اعتقاد و یقین به معاد و قیامت ( ج ) انجام عمل صالح

حال می خواهیم به بررسی موارد فوق بپردازیم .

**ایمان**

ایمان ناب ترین هدیه ای است که خدای متعال به دوستانش مرحمت می نماید . ساده ترین معنای ایمان همان آرامش داشتن است . یک انسان مومن یعنی یک انسان آرام ؛ البته نه آرامش و طمانینه ظاهری بلکه آرامش و طمانینه قلبی . چون حقیقت آرامش در قلب مومن قرار خواهد گرفت .

رسول مکرم اسلام فرمودند : **افضل الایمان ان تعلم ان الله معک حیث ما کنت** .

بالاترین درجه ایمان آن است که بدانی هر کجا که باشی خدای متعال با تو است . ( خبر ۶۶ کنز العمال )

فرمایش شریف رسول الله الاعظم در باب ایمان از آیه ۴ سوره حدید استخراج شده است که به تعبیر حضرت سجاد علیه السلام مربوط به متعمقون آخر الزمان است . ذات اقدس اله در آیه ۴ حدید می فرماید : « **هو معکم اینما کنتم** »

به بیان عامیانه ایمان یعنی بدانید خداوند متعال همیشه و همه جا همراه شماست .

مطلب مهم در فرمایش شریف رسول اکرم علیه السلام این است که آغاز ایمان با علم شروع می شود . عالم ترین مردم ، مقربترین مردم هستند به درگاه احدیت . البته محدوده علم هم در روایت تبیین شده است و اگر کسی علم نداشته باشد ایمان هم ندارد . بین ما و خدای متعال یک حجاب وجود دارد و آن حجاب جهل است . و این جهل از بین نخواهد رفت تا زمانی که خود جهل به علم تبدیل شود . از این مطلب نتیجه گرفته می شود که در میان انبیای الهی کسی به خدا مقربتر است که علمش بیشتر باشد . وجود مطهر رسول الله الاعظم صلوات الله و سلامه علیه علمشان از تمام انبیای الهی بیشتر است و به همین دلیل قرب ایشان هم از تمام انبیاء بالاتر است .

یک نکته ای که باید عرض بشود این است که حتی قرب رسول الله الاعظم از وجود مطهر حضرت علی علیه السلام هم بیشتر است و این حرفی است که اهل ولایت طاقت آن را ندارند . امام صادق علیه السلام فرمودند : ایمان مرد کامل نمی شود تا زمانی که بداند قرب رسول اکرم علیه السلام از قرب حضرت علی علیه السلام بیشتر است .

**رسول الله الاعظم اقرب الی الله است ولی مولا علی علیه السلام قریب الی الله است** .

مأمون (لعلت الله علیه) از وجود مطهر حضرت رضا علیه السلام سوال کرد: یابن رسول الله! بالاترین فضیلت حضرت علی علیه السلام چیست؟ حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام که جان عالم فدای نام مبارکشان بشود فرمود: « **یوم المباهله** »؛ روزی که حضرت رسول اکرم ایشان را نفس خود حساب کردند و فرمودند: « **انفسنا** ». ( قضیه مباحله در آیه ۶۱ آل عمران تشریح شده است )  
در واقع با بیان شریف رسول اکرم در قضیه مباحله، هر آنچه فضیلت داشتند برای حضرت علی علیه السلام هم اثبات کردند الا مقام نبوت. چون رسول الله الاعظم همین فضیلت زائد نبوت را بر مولا علی علیه السلام دارند به همان مقدار هم قربشان بیشتر است. وجود مطهر حضرت علی علیه السلام می فرمایند: **انا عبد من عبید محمد صلی الله علیه و آله و سلم**.

خدای متعال به رسول اکرم می فرماید: « **یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی** » بعد می فرماید: « **و ما اوتیتم من العلم الا قليلا** » حالا که علم قلیل است به رسولش دستور می دهد بگو: « **قل رب زدنی علما** »؛ و ذات اقدس اله در قرآن کریم علم را بیان کرده است و خطاب به رسول اکرم در سوره محمد فرموده است: « **فاعلم انه لا اله الا الله** ».

البته این علمی که ما بیان می کنیم در قلب انسان جای می گیرد: **اللهم اجعل لی فی قلبی نورا و بصرا و فهما و علما**.

شیطان هم دارای علم بود ولی علمی نبود که در قلب باشد چون شیاطین از قلب برخوردار نیستند.

در فرمایش شریف رسول اکرم آمده بود: **افضل الايمان ان تعلم ان الله معك حيث ما كنت**؛ بیان شده است که بدانید خدای متعال همواره همراه شماست. از کجا عالم به چنین مطلبی بشویم؟ منبع فهم این مطلب بیرون از وجود انسان نیست بلکه تماما در وجود انسان نهفته است. اگر هم در بیرون آیاتی باشد، آن آیات انسان را به درونش راهنمایی می کند. یک معنای معرفت نفس این است که بروید بدانید که خدای متعال همواره به شماست.

یک نکته مهم و اساسی این است که کلمه « **معك** » که در بیان شریف رسول اکرم علیه السلام آمده است را هیچ مفسری نمی تواند تفسیر کند و بگوید که خدا چگونه با ما همراه است؟ مع فکر کم، مع بدنکم، مع جسدکم، مع نفسکم، مع ارواحکم... قابل توجه است که کمترین چیزی که ذات اقدس اله در قرآن بیان کرده است کلمه « **ذره** » است. آیا می توان گفت « **مع ذراتکم** »؟؟؟ مشخص نیست فقط این را می دانیم که همگی ما در بغل خدای متعال هستیم و باید به فضل الهی این مطلب را درک کنیم. اگر به فضل خدا ادراک شد که خدای متعال همواره با ماست دیگر هیچگونه غم و غصه ای راه ندارد. اگر از این مطلب غفلت کنیم به نگرانی مبتلا می شویم. دچار خوف و حزن می شویم. مطلب این است که بدانیم خدای متعال از هر نزدیکی به ما نزدیکتر است. حضرت امام سجاد علیه السلام در دعای ماه مبارک رمضان به ذات احدیت عرض می کنند: **فکن لی**؛ خدایا فقط برای خودم باش!!!

سر اینکه دستور داده شده است که با کسانی همنشین باشید که شما را به یاد خدا بیندازند در همین مطلب است که همه ما فطرتا می دانیم خدای متعال همواره با ما است ولی غفلت می کنیم و یادمان می رود. برای همین هم است که بشر احتیاج به علم ندارد بلکه بشر احتیاج به ذکر دارد. ( **انما انت مذکر لست علیهم بمصیطر** )

کسی اگر این مطلب را ادراک بکند که ذات اقدس اله همواره با اوست:

الف) کارهایی را که خدای متعال دوست ندارد انجام نمی دهد چون می داند **ان الله معك**. همانگونه که مرحوم آیت الله بهجت فرموده بودند: اگر کسی بداند خداوند تمام افعال و اقوال او را می بیند و می شنود هیچگاه گناه نمی کند.

در واقع آن چیزهایی که لازمه ی ایمان است که انسان باید از آنها فاصله بگیرد میوه قبول کردن « **ان الله معك** » است. به عنوان مثال خوف از ابلیس، اگر انسان نزدیکی خدا را قبول نماید دیگر از ابلیس هم ترس نخواهد داشت. اگر هم زمانی ابلیس انسان را مورد آزار و اذیت قرار داده است اگر دقیق و لطیف نگاه بکنیم در حق انسان لطف هم کرده است چون انسان زمانی که مورد آزار ابلیس قرار بگیرد برای اینکه از دست او فرار بکند به سمت خدا گرایش پیدا می کند.

ب) انسان زمانی که بداند ذات اقدس اله همواره با اوست دیگر دچار وحشت و خوف و حزن نمی شود.

وحشت از فقر ( **الشیطان یعدکم بالفقر** ) و آینده و... ندارد. اینگونه افراد دیگر نگران عاقبت به خیری هم نیستند.

\*\*\* یکی از اصحاب رسول خدا تجارت می کرد. در یکی از سفرهای تجاری اش راهزنی راهش را گرفت و گفت تمام مال التجاره را باید تحویل بدهی و لباسهایت را هم بیرون بیاور و در نهایت گردنت را هم خواهیم زد. صحابی رسول خدا یادش آمد که رسول اکرم فرموده بودند: اگر کسی با دو رکعت نماز از خدای متعال استعانت بجوید خدای متعال او را نجات خواهد داد. صحابی رسول خدا گفت: طوری نیست فقط اجازه بده دو رکعت نماز بخوانم. راهزن هم اجازه داد. صحابه رسول خدا دو رکعت نماز خواند. نمازش که تمام شد دید یک اسب سوار به سرعت آمد و سر راهزن را از تنش جدا کرد. صحابی رسول خدا از اسب سوار تشکر کرد. اسب سوار گفت: می دانی من کی هستم؟ من ملکی هستم که خدای متعال از حقیقت توکل تو خلق کرده است و در آسمان چهارم زندگی می کنم. الان که تو نماز خواندی خدای متعال امر کرد که صاحب تو الان به تو محتاج است خودت را به او برسان.

مطلبی که باید عرض شود و عزیزان دقت داشته باشند این است که ایمان یک مقدمه ای دارد که تا آن مقدمه حاصل نشود این دلهره ها و دل مشغولی ها و دلواپسی ها از بین نخواهد رفت . بالاترین مقدمه ایمان در قرآن کریم « کافر شدن » بیان شده است . هر کسی که می خواهد به ایمان راه یابد ابتدای امر باید کافر شود .

خدای متعال در قرآن فرموده است: «**فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی لانفصام لها والله سمیع علیم**» ابلیس و نفس اماره انسان از مصادیق طاغوت هستند . طاغوت یعنی مظهر بدی ها ، کار طاغوت بد دیدن است . در قرآن کریم هم آمده است آنهایی که ابلیس را به عنوان همنشین انتخاب کرده اند بد همنشینی دارند . کسانی که اینگونه هستند دائماً بدی ها و زشتی ها را می بینند . حالا مطلب این است که کفر به معنای پوشاندن است . کافر شدن به طاغوت یعنی انسان روی بدی ها و زشتی ها را بپوشاند . انسان برای اینکه به ایمان راه یابد باید روی طاغوت درونی و بیرونی را بپوشاند . عزیزان اگر در نفس اماره خودمان بدی و زشتی داریم باید آن را بپوشانیم تا بتوانیم به ایمان راه پیدا کنیم . کسی کافر به طاغوت شده است که دیگر در عالم بدی و زشتی نمی بیند . دقت شود نمی گوئیم در عالم زشتی و بدی نیست بلکه می گوئیم انسان می تواند به جایی برسد که اینها را اصلاً نبیند . مثال واضح برای این مطلب بیان شریف حضرت زینب کبری سلام الله علیهاست که فرمودند : «**ما رایت الا جمیلاً**» ؛ حالا سوال مطرح این است که مگر در کربلا شمر و خولی و ابن زیاد ( لعنت الله علیهم اجمعین ) نبودند که ایشان فرمودند من چیزی جز زیبایی ندیدم ؟؟ مطلب این است که حضرت زینب سلام الله علیها کافر به طاغوت شده بودند و چون به این مرحله رسیده بودند موانع رسیدن به خدا از بین رفته بود . کسی که کافر به طاغوت شود مظهر «**یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح**» خواهد شد .

\*\*\*شخصی نزد رسول خدا آمد و عرض کرد : یا رسول الله داشتم از خرابه رد می شدم دو نفر را دیدم که مشغول انجام کار حرامی بودند . حضرت علیه السلام فرمودند : شاید اشتباهی دیدی ، شاید محرم بودند ... شخص دوباره نزد رسول خدا آمد و همان مطالب را بیان کرد . حضرت رسول اکرم ، حضرت علی علیه السلام را برای بررسی مورد فرستاد . مولا علی علیه السلام زمانی که به خرابه رسیدند دست های مبارک را روی چشمان مبارک نهادند و نزد رسول خدا که آمدند عرض کردند : یا رسول الله من چیزی ندیدم . و این جا بود که رسول خدا فرمودند : ای علی جان من جوانمردتر از تو در این امت ندیده ام .

نکته مهم این است که امر به معروف و نهی از منکر واجب است ولی تجسس از منکر حرام است . هیچ کدام از فقها نفرموده اند که منکر را پیدا کنید و بعد آنرا نهی کنید .

مطلب مهمی که در قرآن کریم بیان شده است و باید به آن دقت شود این است که خداوند متعال فرموده است : **بیده الخیر** ؛ از طرفی در دیگر آیات قرآن آمده است : **بیده ملکوت کل شیء** ( باطن تمام اشیاء به دست خداست ) **تبارک الذی بیده الملك** ( ظاهر تمام اشیاء هم به دست خدای متعال است ) ؛ یعنی ظاهر و باطن خلقت به دست خدای متعالی است که احسن الخالقین است . نتیجه این می شود که اگر همه چیز به دست خداست و دست خدا هم جملگی خیر است ، پس ما هم باید همواره در نظام آفرینش خوبی و خیر را ببینیم . دلیل اینکه عده ای در این نظام احسن الهی ، بدی می بینند دخالت طاغوت است .

البته مطلب مهمی که باید مد نظر قرار بگیرد این است که این خوب دیدن بهترین شیوه برای از بین بردن بدی هاست و این مساله ای است که دارای سند قرآنی است ؛ ذات اقدس اله در قرآن فرموده است : «**ان الحسنات یدهبن السيئات**»

الان هر کسی که به دیدن بدی ها مشغول باشد باطنا دچار ناامنی و تشویش خاطر خواهد بود . به عنوان مثال کسانی که دائماً مسائل و اخبار را بررسی می کنند ، نشریه و بولتن مطالعه می کنند غالباً انسانهای خسته و بی حوصله ای هستند . عزیزان دقت بکنند در روایات ما نیامده که از مسائل مسلمین با خبر باشید بلکه بیان شده است که از مصالح مسلمین اطلاع داشته باشید .

خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: «**ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والاخره**» کسانی که دوست دارند فحشا را در اهل ایمان گسترش و رواج دهند برای آنها در دنیا و آخرت عذاب الیمی مهیا می باشد .

عذاب دردناک اینگونه انسانها در دنیا خستگی ، بی حوصلگی ، افسردگی ، بی حالی ، بی نشاطی ، از دست رفتن امید نسبت به آینده اجتماع مسلمین و ... می باشد . خلاصه مطلب اینکه باید از مصالح اجتماع با خبر بود . الان مصالح اجتماع این است که جامعه به تقویت اعتقادات دینی ، تقویت ارتباط با خدا ، تقویت حسن ظن به خداوند عالم و تقویت شناخت نسبت به اهل بیت علیهم السلام نیازمند است .

در جامعه اسلامی هر چه بدی و نقص مشاهده می شود باید پوشانده شود و خوبی ها و محاسن مورد بحث قرار بگیرد . مسائل اجتماع اگر هم بناست در اختیار کسانی باشد باید در اختیار کسانی باشد که برای رفع آنها قدرت لازم و کافی را داشته باشند . اصل مطلب این است که عموم مردم لازم نیست از مسائل اجتماع آگاهی داشته باشند بلکه عموم مردم باید از مصالح و خوبی های نظام اطلاع داشته باشند . اینکه عده ای دنبال این هستند که دائماً بدی ها را دنبال کنند و نقایص را محور قرار دهند این دقیقاً هدف طاغوت و شیطان است برای اینکه ثابت کند همه بد هستند الا من . ( **انا خیر منه ، خلقتنی من نار و خلقتنه من طین** )

همه ما از شیطان بهتر هستیم برای اینکه در طینت ما گل اهل بیت علیهم السلام وجود دارد ، برای اینکه ما بر امام حسین علیه السلام گریه می کنیم ، برای اینکه ما در درگاه حقتعالی سجده می کنیم و ... فقط و فقط یک جا به ما اجازه دادند که بگوئیم بد هستیم و آن هم در محضر حضرت رب العالمین است .

امام کاظم علیه السلام فرمود : « **الهی کنت بئس العبد و انت نعم الرب** » ؛ عزیزان دقت کنند حضرت کاظم علیه السلام فرمود : **کنت بئس الخلق** ؛ نکته این است که همه ما مخلوق خدائی هستیم که **احسن الخالقین** است. (لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم) خلقت هیچیک از ما بد نیست بلکه عبودیت که فعل اختیاری ماست دارای اشکال است.

مطلب دیگر این است که تا زمانی که باطن انسان صالح نشود خدمت عباد صالحین نخواهد رسید . عزیزان خط امام معصوم خط دیدن خوبی ها و محاسن و پوشاندن بدی ها و نقائص است .

الان اگر به بیانات رهبری هم دقت بشود همواره حرف از امیدواری و خوبی و محاسن و امید به خوبتر شدن آینده می زنند . بهترین راه امیدوار کردن مردم ، کافر به طاغوت شدن و اظهار خوبی ها و محاسن است . مثلا آمریکا یک طاغوت است باید روی آن را پوشاند . اگر در آیات الهی دقت شود مشاهده می شود که نام شیطان در قرآن ۱۱ بار به کار رفته است و نام جلاله **الله** بیش از ۲۵۰۰ بار به کار رفته است.

\*\*\* شخصی نزد رسول خدا آمد و عرض کرد : یا رسول الله ! چه کار کنم که ایمانم کامل بشود ؟ حضرت علیه السلام فرمودند : « **حسن خلقک ، اخلاقت را نیکو کن** » ؛ این حسن خلق میوه و نتیجه ی دانستن معیت خداوند با انسان است . اگر انسان به این مطلب اشراف داشته باشد که خدای متعال با او همراه است و هر چیزی به او می رسد خواست خداست دارای اخلاق نرم و خوب خواهد بود . رسول خدا را دشنام می دادند ولی ایشان به دلیل ایمان بالا و در نتیجه حسن خلق ، آن را هدیه خدا می دانستند.

رسول الله الاعظم فرمودند : ایمان آن است که بدانی هر آن چه به تو رسیده قرار بوده برسد و هر آن چه هم به تو نرسیده قرار نبوده برسد . و خداوند متعال است که ضرر می زند و نفع می رساند؛ کسی گفت چرا اول ضرر زدن را آورده است ؟ در جواب گفت : هر جا دیدی خدای متعال ضرر زد بدان که می خواهد نفعی به شما برساند.

خلاصه اینکه از هیچ چیز نگران نباشید و خوف و حزن هم نداشته باشید . تا زمانی که خدای متعال هست مومنین هم هستند . در روایت آمده است که : **المؤمنون لا یموتون و لکن ینتقلون من دار الی دار** .

اگر انسان خدای متعال را به عنوان دوست و همراه قبول کند دیگر هیچگونه نگرانی و ترس و وحشت و ... نخواهد داشت . \*\*\* شخص داشت گریه می کرد که رفیقش مرده است . دیگری به او گفت : تقصیر خودت است !! گفت : چرا ؟ گفت : تقصیر توست که رفیق مردنی انتخاب کرده ای !! گفت : مگر می شود رفیقی داشت که نمیرد؟ گفت : بله خدای متعال ( **هو الحی الذی لا یموت** )

نکته دیگر اینکه خدای متعال در تلخی ها و مشکلات زندگی ما هم شیرینی قرار داده است ولی ممکن است ما آگاهی نداشته باشیم . \*\*\* کسی به خانومش گفت : برای نهار آبگوشت درست کن . ظهر که آمد منزل دید خانومش می گوید من غذا را درست کردم ولی رفتم داخل آشپزخانه دیدم گربه آن را ریخته است . شخص می گوید خیلی عصبانی شدم و رفتم داخل حیاط منزل . دیدم یک گربه مرده در حیاط است . بعدا معلوم شد که داخل غذا سمی وجود داشته و قصد کشتن این خانواده را داشته اند که خدای متعال با فرستادن آن گربه و پیش مرگ شدن آن اجازه نداد آن خانواده از غذا تناول نمایند .

ان شاء الله به فضل الهی توفیق این را داشته باشیم که بدانیم همواره در محضر خدائیم و ذات اقدس اله همواره با ماست . اگر هم زمانی از این موضوع غفلت کنیم خود حضرت حق به لشکریانش که شیاطین باشند دستور می دهد تا این بنده خدا را یک تکانی بدهند و به سوی خدا رهنمون سازند . ( **و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطان فهو له قرین** )

یا علی